· · · · · · · · · · · · · · · · · · ·	اول أصلاح اقتصادى	شیاره ۱۰۷	مال اول ٤٠	
١٨ ذيعجة المرار ١٢٣١ (٢) اوت ١٩٢٢	e la se de la competencia de la compete			
باین روز اسامه پدون تقاضای کتبی بسرای کمی ارسال تمیدود.	ه شنبه ۱۰ ا مد ۱۳۰۲ صاحب امتیاد و مدیر مستول s داور			
وجه اشتراك : سالپانه شعیامه مه مامه م داخله ۲۰۰ قران ۵۰ قران ۲۰۰ قران خارجه بملاوه اجرت بست	قیمت اع الماری منحله اول منحله دوم و روم منحله جوارم عام ادام : طریان خالیان ۲۹ ذار خد که مه الحال م			
رو می این است از مراجع از مرود از منابع این است است است این می این است است است است است است است است ا		ار ـــ كوجه الجادية	عل اداره : طهران خبابان لاله ز	
تبو یائ تبو یائ این عبد سید اسلام را بسوم مسامین ایربان میکونیم اداره جریده مسامین ایربان میکونیم اداره جریده سرید تبت منوان ( الماء قرار) دارها درج ندمات اداره جریده سرید تبت منوان ( الماء قرار) دارها درج ندمات م بلور کرد آن جریده نرید درج نده است بوراسله باس از موقیت تبت باست م بلور کرد آن جریده نرید درج نده است بوراسله باس از موقیت تبت باست م بلور کرد آن جریده نرید درج نده است بوراسله باس از موقیت تبت باست م بلور کرد آن جریده نرید درج نده است بوراسله باس از موقیت تبت باست م بلور کرد آن جریده نرید درج نده است بوراسله باس از موقیت تبت باست معنی الملفته از جامی قولی در کاینه وزارت خارجه بسخبر اداره داده با وجود آیان آگذیو گ برد از جامی قولی ندر کاینه وزارت خارجه بسخبر اداره داده با وجود این آگذیو گ برد برد المان از خانه واقه جن دروازه دولت سلفه موروز رایع خابی وقعیم ایر خلیز است خرا سامان کا تای واقه جن دروازه دولت سلفه موروز رایع خابی وقعیم ایر خلیز است خرا سامان کا تای واقه جن دروازه دولت سلفه موروز رایع خابی وقعیم ایر خان است خرا سامان کا تای جد الموه لین وا خابی وقعیم ایر خان است خرا سامان کا تای جد الموه لین وا خابی دولت ایر خان است خرا سامان کا تای واقه جن دروازه دولت سلفه موروز رایع خابی دولت ایر خان است ایر امان راید در المان قرار مان قدار مان خابی دولته مردونان این است ایر امان راید مرامان قدار مان ما این از خانه واقه جن دروازه دولت خانه موروز این خابی دولته ایر دامان از خانه واقه جن دروازه دولت خانه مورو قدین برده این این ایر دامان از خانه واقه جن مردولت خونه برخونه برخونه برخونه برخونه دولته ایر دامان از خانه واقه جن مردولت خان خان میزی داری در کان دران ایر دامان در اینان از خانه واقه جن مردولت خونه برخونه برخونه برخونه دولته بار در از یو برای داره در کان در این در این دان در این مران در در در بامان یا مدنانه مان مر بان در در در ماده یا در مان در بان در در در در دان در مان در بان در مان در مانه مان در م	مقلصبات ملاف ش میباند . زمامداران ۵ ملی روس خیلی یهتر از متصدیان ازاری منافع روس را نشخ می داده اند بینا یر این روسیه فردا یرای مشرق زبین خیلی خطرناك اواز روسیه از ری است . از روسیه نداریم . اگر ما یجای روسیه یودیم شاید خود ماهم مثل او رفته از می است گردیم . اظهار این مسائل برای این است گ از سیاست همسآ به شیلی هموطنان خود وا مستخضر که نیم ما هم دارای سیاست	او حکوم العادم، آن د هری ترقع ماعدت مالی دارد. رئیس الوزرا آی که نور آ اطاعت انگرد باید برای هم قسم بن شرس و افسترالی مهب باند – و مکر با ازادی مات مبدور بزی تقار ما بشخص محسوس ایست سوء تقار ما بشخص محسوس ایست سوء تقار ما بشخص محسوس ایست سوء ترم بگرفیم : مرم بگرفیم : مرم بگرفیم : مرم باری بار داست است شا بربشاز ویبچاره همقید شا هت کی بدولت می طلبد – ولی اکر بان مروت ایست و مروت ایست و اعزاب میلوا فاسد به می طرفی مروت ایست و موزانی عرفزی است العامینان کمند معیات و اعزاب میلوا فاسد به می طرفی در امی اللخابت اطمینان کمند معیات و اعزاب میلوا فاسد به می طرفی مولتی در امی اللخابت اطمینان کمند معیات و اعزاب میلوا فاسد به می طرفی مولتی در امی اللخابت اطمینان کمند معیات و اعزاب میلوا فاسد به می طرفی می بارخی می وانت و دارای اتکامیتیرالدر می مراحت بیندان کردند می مراحت بیند و لکنار بد قیاف متین طبع مسایعت محمد فارت و مال آکر بان می مراح می می ماست و مان اعامیتیرالدر می مراح می می مانت و مان از مانی می مانی ما برای میتون یک ماند و مال این مالک می مانی مانی کرد مود ما برای دیاست و دارا می اعزان ما برای دیاست و دارا می این مالک ما برای دیاست و دارا می این مالک می است و دارا مین مالز ما برای دیاست و دارا مین مالک ما برای دیاست و دارا مین می مامین می است و دارا می مالز مالک می است و دارا می مالز می است و مارزی ما مرای دیاست و دارا می مالزی ما مرای دیاست و مارزی مارزی می می مالزی ما مرای دیاست و دارا می مالزی ما مرازی دارا می می مالزی ما مرازی دیاست و دارا می مالزی ما مرازی دارا می می مالزی ما مرازی دارا می مالزی ما مرازی دارا می می مالزی ما مرازی دارا می مالزی ما مرزی دارا می ما	عل ادار، : طهران خابان لاله ز ا و و اشت لومت. ا خود ۲ آدم یسد اجت و مات اختی می ذود ۲ آدم یسد اجت و مات المایی و این خلاقی است المایی و این خلاقی است المایی و این خلات مردم مااست الم این قال و قبلی که از یدو شروطیت الم این قال و قبلی که از یدو شروطیت از بی جاری و فلاک مردم مااست برای قاله و فراد یبد این شود برای قاله و فراد یبد این بود برای قاله و فراد یبد این بود برای قاله و فراد قاله است الم برای قاله قال قاله این المیه از و فراد برای قاله و فراد قاله این و مایل بست و میآمود این لیت فحال متا مایل دید ایم برای این این میت قاله این المیت میآمود این لیت فحال متا می قراد برای مای این این میتود برای مای بانه مینود برای مای این اینه مینود برای مای این اینه مینود برای مای اینا یانه مینود برای می کنی این اینه اینم بانه این برای می کنی این اینه مینود برای می مین این می می کنی می مین برای می می کنی ای اینه اینم اینه این می می برای می کنی این مینود آنه می می مین برای می کنی اینه مینود برای می مین این می مینه اینه اینه برای می مین از آمان می می اینه برای تکه بی حقی آز آمان اینه مینود برای تکه بی حقی آز آمان اینه اینه اینه مینود برای تکه بی حقی آز آمان اینه اینه مینود برای تکه بی حقی آز آمان اینه اینه مینود برای می مین این اینه می مینه می اینه اینه اینه اینه اینه اینه اینه این	

ماه از سال ا دون متحاوز از

كذشله و هنوز بودجه ممارف ولايات ايلاغ

نشده ! ـــ هاوز مدا وس ولا يات حقدوق

محتاج به راه است نا يتوأند رايطه

نگرفته آند . سال کذشته هم بواسطه اشکالانی که واجع به شهربه شاکردان مدارس غیر نجانهی ولايات فواهم شده بود ـ در پروج آخير سال حقوق عدد اي از ملين به عهده لدوبق أفتاده بدأ إن وحف معلوم أحت مارف خاج از مرکز چه حال دارد. ۱۰ عده ای از مدارس از میان فرقته با شد در سال الحصبل الذنته ـ که در آخرجوزا به بایان رسید ـ کاری هم انجام فکر فته -با شكم كرسته الى الدريس كرد أرتب الله ا البيته حسبة لتصع حسم بأ وزارت معا وف

از الث سال كاذشته . اازه بودجه ممارف ولايات دارد ابلاغ مي شؤد ا لمراني هما به بُمالا لكابن - لحمل در المرفتن حقوق ها ت كرد، الد 1 أر ششهاه و مُحمَّتُ عام يَهُ مُعمَّ ابن شهر حقوق المدهيد حدان برايش للجب تدارد الما ديروزجهار ما، از سنة مانية و جهسار ما، از بايت سال الماري حقوق طابيكار يودايد ، حال . كه ينج ماه حقوقشان به عقب أفترده خشنودند زيرا بدار از اين ها را ديده الد. در ولايات اين طور نيست • يك ماء که حتوق،مات افتا ده تصور می کند آسمان بز.ين آمده همه مايوس ميشوند . همه بافلركارديكر ميافلند ، وظايف خود را العبام لميدهند وأسروحهم براجع

با دفت مراقب باشهم که مدمه به منافسه حياني ما ۋارداباور اد معارف ولايات And strate in the second strategy and the در مقالات قبل نشأن داديم كه يودجه ممارف ولايات فوق العادم أم أست – در بودجه ای هم که امسال اسر ایب داده آنسد برای آبلان جبزی منظور لغده ا در ابن جامي خواهسيم نكشته التي را

با داخل و خارج داشته باشد مجمع

ما بابد ابن مسال را در نظر بكبر م

و از خرتهای قشنك و زبیا حذر کنیم .

Curine States المدين ورشيه كه بثت سرهم أبساليه سادر ، تیکرد و که هر ملقی باید در آمدین مقدرات خود أزاد باغد مسر هر مللي بابد حکوبت را در دست خود کیرد ، همین روشیه بخارا را باس قبزه آصرف کرد و آخرين أثر استقلال أنبر وا ازميان بره ا حقيقت امرابن الت كه در ابن زاء ووسبه كنومى المداماتي كسرتمكمووشيه المزارية عفلش الهم الميرسيد . المجموع المجامع آیا در مقابل آین مداهدات - مال يره زلها كرية بابد كره ا يستخير أس الم الله حوا اقدامات آلها وا مراف إبد بود نه تعبير كرد - اكر مش بخال علكت ات خلوكرى المود ، شرع المد الم الله المرجه ووسبه كرده وم كمند الطابق الكوشرد كنبم كه إهالى بابلخت متوجسه آن

مات مفلوك و مستارقمار ما از بد بخق بد لحلق و مندير الت مي الم از من که زمام دار شد و دو مامه أبران را إملاح نكرد خمقه و دل تك، شود ، فرط بد اختی اصافت را هم برده و از حیاش هرچه بخواهید کامته ابن حال زوجی مهدم عد: را بـه حيال استقاده الداخله - ب مصيبت ايران لمبش می حکنند - راه زندکی آبرو مند اراز ابن كما الت 1 \* \*\* ان یکی واسطه می شود و پرای فلان بی خرخه ۲۰۰۰ د . تعکومت ماخواهـ - وای بر دوات آکر كوسطش وأ تبذيرفت ... فردا يهزار و يك دلېلى سازىق زېبىي الوزراء و مراجبىن در م تامة ملى ، اقا ثابت مېشود ا<sup>ن منسل</sup>

and the second second

## الله وأبرت سلا ماهلا رثيس كل ماليه أبران قسمت لقم يقبه ازشماره قبل

ارباب رْجوع بايد ملتقت ابن نكته هُمْ بائند كه مُن وقت بُوزارت خانه إل يرأيس كل مالبه بتوسط شخص أالنى كه عضو وزارت مالبه ايست ارجاع مطلب مهنمايند همیمه نتیجهٔ ناخیر جواب و أغاب موء تفاهم می شود لهذا هر کی کر با وزیرت خانه یا با این حانب کار دارد باید شخصا بیابد یا مستقبیا بنویسد ویا اکس هیمین از این دو اَشْقَ مَمَكُنُ ثَنبَاعُدُ مُعْضِي رَا ثُمَّايَلَدَ خُودَ قَرَارَ دَادَهُ اعْتَبِحَارَ ثَامَهُ حَتَّبِي فَر بسبارد راجع إمراسلات وارده و شادره و اراليب درسيه مما و آرشبو و الهبامياوالها

قواءدی وضم شده و این برای سرعت جریان آمور معموله از قیبل فرستادن مفقصین ـ المهين وانتقال لمامورين والذيرمواجب وأغيره سورت هاى متحه التكلى طبغ شده وبعضى م در شرف طيم شدن مبياشد المري

المامورين ماليه ولايات تعليماتي دادم شده است كه م نهـ ا را در سوعت جوا ب بدستورات مركز مازم ميدارد وحركا، كاخبر و تمملت آمايند برطبق ظامنامه قالون استخدام المدية خواهند شد و آيز المايماتين بارارات مركزي سادر شد، است كه ثبت دفية... از جکونکی سرعت عدلمات ادناء مالبه لکاه دارند

بالاخرة ابن تكته تهز بابد كالا معاوم باعد كه در بعض موارد رؤساى امريكان المراكباتية يفوويت إقدام أمأينا تؤدر أيعتنى توارد مم أساسا ازمن اقدامي مدوراند مكر ايلكم از طرف هيئت وزراء يا مجلس شوراى ملى تصميمي المغاذ شود . لا سفانه در زمان کنده میلت وزراء یا مجلس شورای ملی اسبت یه یعنی مسائل خیلی مهم راجسم به يهيئنها ذات ما كه باعث كسهيل كار مبشده كسميمات لازمه را يا الخاذ المرمود، ويا بتداخسير ولداخه آلد ليكن معهدًا يقين داريم كه در آله مرك در مسائل ماليه اقدامات جد ي و سريع خواهد فرمود .

ازاحساسات سمبهانه مجلس وكابيته لهاى دوات اظهمار خوشمالى نسوره مخصوصا از کارجه، کا در این جند دوزه اخیر دوره چهارم عماس شورای ملی حاصل کردید کال حق شناسی وا داریم نناسی وا داریم (۳) ) ـ تنهیرات جذید در اشکالات مهم ارین انهپرالی که در سه ماهه اخــر دو گفگیلات داده شده (۱) خدمیمه شدن اداره خالمجات یاداره مالیات مستقیم (ب) بر قسرار تمودن تفارت کل غرب است احت اصدی آتای کال الوزاره که مرکز آن در حمدان وتشارت إدارات ماليه حمدان مرمانشامان كردستان ملابر و لهاوند وا عهد، دار خواجد بود . فقله أسلاحات أرديعي و رقع الوائس را در إره كشكيلات مركز وولايات كمنتجب المتودة عدد از ادارات ولايق را كه سابق بر ابن لكايف المعلومة يا وسم غير مطبوع، دانتند موقيت آ الها را يطور واضع معين كرده ايم مثلا سيستمان و فاينات احت مسئولیت رئیس مالبه امریکانی خراسان و اردیپل تحت مسئولیت رئیس مالبه کم ذراییجان قرار داده شده کروس یکردستان خدیمه گردیست توسرکان پملایر ساوه پطهران و عهاوند مسققل كرديده استى يستبعد المتعمين المعادين المعادين

الد میں اللہ میں ا**قتلیمت مدی م**رجع اللہ میں اللہ کی ال اکر چه متصود ازاین راپرت پطور کلی شرح غملیات وؤسای امریکائی است لیکن المُوشَوْقَتْ مَنْ هُوْمَ أَزْ أَبْنَ كَمْ مُوقْعَبْتُ الْنُونِي أَمْرَكُكْ وَاحْمَ كَمْ فَي حَدْ ذَاله عاهد ي أَز الوافق منبق هوابتود با رؤسای امریکای است وهم از خبت این که إدارد کمرک جستره لايتجزاى وزارب ماليه است اشاره لهام

يرطبق قانون خزانه دارى كل مايدات كمرك حاليه يعذزانه كل وارد و مخسارج آن این از هما اجا پرداخته می شود و همچنین بعضی الدیه های دیگر از قیبل پستی حقوقات تقاعدى و مواجب هاكه سابق برابن از اداره كرك ستتبها داده مى شهد ما از خزاله کل پرداخله میشود . قصد ما این است که پجر دو مسئله تادیسه فروض خارجه خبج رجعاني فبمابين الواع كادية ها و إنواع عايدات قائل ندويم و اكر اعتيار قولت أيران بإيد "بربا به تحكمن استوار شود كازم است جمع آورى كا-به عايداًت بالسوية . المين وكلبه ديون بلا استثناء و يدون درنك برداخته شود

بودجه أداره كمرك أنهبه شده و براى مسبو قوليتور مشكل بوده است بدون المهه بوسائلی سکه برای صحت نظارت در سرحدات لازم است کقابلی در آن منظور دارد جنان که پخوبی برهمه کس واضح است کار اداره گمرکات منعصر پنجمع آوری، شور كْمَرْكُمْ لَبْسَتْ بْلَكَ جُدين وَظايف دَيْكُر لَبْنُ الدارَ مُحُول أَسْتُ كَهُ يُدونُ الْجَزَاءكان قُرْ سَرَحَداتَ اللجام آن غير ممكن خواهد بود و لقلبل عده اجزاء أز حسن جريان آن اداره در بمنی ناط خواهد کاست لېکناداره کمرکات جدیت می ورزد این کونه اشکالات وا بعدر المكان رفع عمايد ( بر المجار مع محمد المجار من المجار من المحمد المجار المجار المجار المجار ا یك مدله مهم راجع پتاسیس آمرك خانه در آخر خط واه آمن بین النهرین در ازدیکی خانقین است که مورد نوجه وزارت مالیه و وزارت فوائد عامه خواهد بود .... ازوم بنای حارات کهرکی در آیسلکا، را، آهن دوداب احدیق شد، و کهرك خانه كنونى نسبت باحديث أن الكان بكلى غير مكنى أست مركات أن محل مجالنا سالى بك ولايات الان درسالة بكه لويسركان خالمه بافته

مايون أومان عابدات دارد ودرسورت بنساى كمرك خانه هاى مذة, زياد ارهم خواهد شد ور بعض أماط من حدرت افدالمتان قاجان اريك بداخله بواسط حكام با ناود كه حکومت آلهها موروثی است اداره و ترویج میشود. در این نقباط لازم خواهد بود بر عده مسلمنظين داخلي ماليات غير مستقيم افزوده شود لوجه دوات را قبز بآيد بلز و م دائر داختن اسکله ها و ناسبسات بندری کمرك خانه های بنادر جلب آمود ، عمارات عالی کمرك خاله يودير يدون يذاي بك را. آهن مختصر ( دكووبل ) و سنك فرش نمودن فضاي آن تا تمام خواهد بود و وزارت مالیه اعتباری پرای این کار خزشی ندارد . تاسبسات کمرکی بندر انزلی که برای مزید استحکام اسکاه قبز حمین اشکال را داراست انحت توجه ومدقه مما بالمدهبيج اطمينا في المبت بعايدات إمساله كمركات وجود فدارد زيرا عكمن است قواسطه كاحته شدنسفارشات الجار اراجح بإجناس خارجه اقصانى درطيدات كمركى حاصل شود علاوه بروظایف شأق ریاست کل کمرکات میهو،ولیتر در اغاب کارهای دیگرازقدل ماج خروج الدرة \_ مسئله قان \_ تجايمهون معاهده كمركى روس و ايران كمك نموده ومهارت نام يخرج ذاده است

مرد آزاد

قسمتچهارم

مالباتهاى مستقيم المستنج المستح جنائکه ذلا لکامةه میشود اندامات جدی در جمع آوری مالبات های مستقیم

بممل آمده است و یدون خومم آوری این مالهالها غر ممکن است وجوه لازمه برای مخارج درات قراهم شود ، هبچ مالبات غیر قانونی و وجوهی که .و یان حقـا مدیون المياشند مطالبة المؤواهد شد الممسلم است وظيفه ما و وظهنه ماليات بدَّه خباني آسان ترمَّق يود جنالج از بقايا شرف ظر مبشد احجن جنين تصميمي بسه دلبل غرممكن استاولا ماليات هائى كه مؤديان از سُنورة قبل يدولت مديون حسدة ديَّوتني است قانوتي و ما خبيج اجازه قانونی لداریم کی آنهارا بیخشیم ثالیا بسیاری از ملاکن مالیات خود را تماما و مراباً برداخته أند و جاالجه ما از كماني كه در كاديه ماليسات خود قصور ورزيده الد مطالبة المأثيم أستثناء و "المعيض خواده عد كالنا دعارى بخلفه برعلبه دولت أز جنــــه سال قبل معادل جند مليون لومان وجود دارد و يسمى از ابن ددارى هم از طرف خود این ،قرومین مالیات است · ممکن است یضی از این دعاوی را برداخت ویسی را المناع أود ليكن أكر دعوى شخص فيرداخله خود مالياتش را نيز بايد بحيطه وصول دور آورد لهذا با حمال بيطرفي بايد بقابارا با أقساط معكن الوصول مطابق كركب عادلانه ذيل عجم آورى أمود و جنائجه يسد از اسطار من أخر بك مهات متصفاته ماليات بده ا مسامعها بل أمتناع كسند مجهوراً اقدامات سختي بعدل خواهيم آورد جنان كم حال هم در بهینی حوارد بیمل آورده ایم . در صورت ازوم اسامی اشتخاصی که پس از مهات مدین امتناع يا مسامحه تموده اند كه قرارى براى برداخت ديون خود "بدهند دو زايورت آلميه درج خواهم كرم في المربي المناجع المربي المربي المربي المربع المراد

دو حاجی حسین آقا چهار هزارو دویست.

. الود هنت ديخ الاسلام سه هزار و هفتصد

و ينجاه دوجهد قل موزا سه هزازو دويت

وينجأه شئى آقاىمايل خزارو دويتت وهثقاد

رياج ذيخ محمد تهمدو غبجت فاظم العلياء

مدو ممثلادو هفت آقا سيد محسن ركم س

عدله سدو شي أسه رأى متفرقه غير قايل

غَرْض التبجة كارل بس از خامه إمر بدرس

ي الحي المام - دو روز است اسجد السلطان

مفتش التخابات وارد كردان والجمن نظار

اصا خيمنصب اۋان مراقب صندوق آست در

موقع أنداحتن تعرفه إهالي بي نظمي وإقع

أشده و التقامات اللخايدات وا از روى

قانون حكرمت ساوجيلاغ و الجمن ومنتش

مواظبت فمودة أند امروز مندوق آراء را

بختبارى وجابلق واجع بمركز أنجمن نظر

الحاصل أنحدة أصية الترتم المتشق بيجا فيترتب وا

مرتحجز الجمن ذرعلي كودزز كا حكومت

ائین و مرکز دوایر دولتی است التکیل

شرارت و تال

آهالی بختیاری اناشا می کاند که

وروجرد ـــ اختلافانی بین اهالی

الهارف حصارك خركت ميدهند مجمع اللغ

ديروز مشغول بأخذ اراء در كمال إنتظام

ورود مقدس

خواهد رسيد

الدولة إز طرف هيئت ما مسله بسمت مندى آقاى دينج جلال دي هزارو بانصدو ينبعا ه مخصوص انتخاب و مجه شير و خورشهدسرخ نيز أحت اظر إيشان طواحد بود ا المحمدة المعروف حساب والأربية أز بارف مستدار كل ماليه ، و سدة بسوم وشكاران مالية امرشد إر طمق متحدالماليكم سايلا ارسال شده در هر برجي كه سورت حساب خود وا مرايا يتركز أرسال تنسايند اجازه پرداخت حقوق آن برج آنها داده اخواهد شد ۱۲ آینکه صورت حساب خود را بمركز مرتيا لهمه ماهه اوسال تمايند

> امایش آبرویلان صبح زوز کذشته دو دستکاه آیرویلانهک مرغى اقامت دارند شش ساعدقمل ل ظهر حرکت کردہ قریب یکساعت مدنول طیران بودند بعد از طیران و دادن ایش المجددا در قامه الرغي أزود آمراد

> > Lind + Frak • et احار واحله

اطق مهمج کائنان - ديروز دو مسجد آقا برزرك متینکی یا خضور علماء از طرف ملیون در مؤضوع ليميد علياء از بين النخرين دأده شده و جند انهر رز ااطنين أطفهاى مهرج الموداد

لتبجد استخراج إراء ملایر ـ در ۲۰٬۹۹ اراء مستخرجه امروز

۵ شیارد ۷۰۷ و

مينهابند ديروز اأجمن أظأر تشلايل مستحوبا رای داده السد که د و قربه مسل آباد که فامله بين هردو فسمت است ألمجمى الطبار لدكيل و شروع به اوزيم امرقة ليابلد شب مَّيل جمي إز الوارية إطراف شهر، يراي مارت **مس**تدم و جو که در صعرا است امده وداد نظامیان مطلع شدة بس از مدلی ه و خوده دو افن از الروار مقتول و مجروح مهشوند يك ماديان هم جا كذاشته ارار می کنند .....

اداره ماليه بالهابت جديت و شرعت معفول اسطح كوجه ها ومعاير غمومياست التخاب نظار

مشهدت امروز آقابان الجار بر خست دعوت ايالت خليله دو دارالاياله خاضر بك رای مخفی هفت نفر از مین خودشان انتخاب المودند الاوز شنبة هبأت استاف دعوت خواهند دم آقابان علياء ابز ميان خودهان ازخارج جاسه لشكهل مفت لغر أنتخاب تمودقدأيالت جلباه از بين منتخيين جهار طبقه هفت نفر يراى المجمن نظار معين لمودند أقتداوا ليلك فواسول عشق آباداز شنت استيصال بوراسطه ارسيدن حقوق چند پرج كاغذهاىمثروحى غلب رؤساومامورين دواير لوشلهاستمداد استرحام الودماست ادارما السهاماي مقوق قولسول مشارا ليهرا موكول بجازه مركز مبتمايند

اطلاعات مشرقه تظامنامه مدال و نعان على وزارت سارن، د در دار د در من من م النار المقرة شبالزدهم از باده دوازدهم قاون دوراى مال مسارف شتويته بهايم حوت ( ١٣٠٠ ) تطلبتان فيل جرامو اعلای مدال و لدان علی مارز الردید . مسل اول ا

در شکل مدال علی و درجات آن ماده اول - مدل على يدو درجه السبم مى شود ; درجه اول و دوم: ماده دوم - مدال على مطلقا يدكن دابر. مغواهد بود که شعا عش دو ساتی ملر باشد که در بک روی آن شیر و خورشید ایستاده و در زوی دیکی غیارت ( توانا يود مركم دانا يود ) با خط تستعليق حكلك ا ماده سوم ـ جنس مدال ا درجه اول اقره و درجه دوم پراز کرده م فسل دوم

در شراط إعطای مدال علمی ماده چهارم - پرای کشو ق مدیر آن و ناظمین و معلمین مدارس ایتدائسی و شاكردان فارغ التسمهل دوره متوسطه و عالیه مدال علمی یطریدق ذیل مقرر می دود. ماده پنجم - مدال درجه دوم به أشطامن ذيل داده مهشود : ٢٠٠٠

اول - مديران و تاظمين مدارس ايتسدائي كه مدت ينسج سسال در ادارة محجردن مدارس مزبوره ايرأز الباقت الموده شود اهالی جاپاق هم مکس ابن را تقاضا 🖌 باشند در این شماره پواسطه شمیق سنجان الحیار خارجه درج اعده . قدمایهای فروای و مَعْمَ الرا در دُماره آلمه من حواهيم كرد الله الم الم

## عقادل ليكران

دو مذهد پرای اینکه حا،له پشوند...روز چهار شنیه آخر صفر هذت عـدد کردروهفت عدد بادام با هذت برك درخت و سه ريسيان باندازه قد زاى كه مهل بة يتجه بدد آردن مارد با خود پر میدارند. سبح زود با بلک آمر پیر، زن بزیارت سنک مدروف به سنک شير في رولد، إلى از خواندن دما كردو أما أرا مي كنيد و أسه الركياته از زيس سنك عبور می کسنند .

این مات در مدید و همسدان جاری است ، در شهرهای دیگریدیدن قبر جوانی که تازه میده باشد میروند. در طهران اززیر یک توب بالنمیه ی-زرکی که ممرو ف به ۲وب مروارید است – در روز چهار شنبه آخر سال – می آذراند . وقتى زن قزديك است به مطلوب و منظور خود قابل شود اغلب ذفار يا كل أر منهى گناول میکننسد و در آیسن مرقع بار آجازه آمهدهند از قبرستا ن عبور کنند یا شب در جای کاریك پرود زیرا . . . . . . . . اگر الدقا جهزی به ایدند و داش ایخو آهد ول دْسَاعِيْ إِنَّ آلَ قُرْسَدَ جَيْمٍ إِجْمَةِ أَسْ زَاغَ خَوَاهُد شَد ، أكر أوى آ ب يَافَتَد جَيْم طُفَلْ بأدام و بزرك م شود ، جنسا لجه خسوتي واقع شود ون أيا بد الما ، آند - به بدن خود هم تبايدست إزاد زيرا در آزسورت خال سباهي در إدن طدل موجو د خراهه CERTIFICAN STRATE TO THE ME HE W. F. F. F. F. J. T. العل از رساله « طدات و اللاق أيرائي ، تالف زنرال ( پرسي سأيكس )

الميست . فيودنجة ممارف امسأل فقط قار آخر في إذار الكرفله، لذ ما ابن مسئله خودموضوع بوزا از اسوب على كلعت - 1 می کوئید چرا زود اس وزارت سارف بودجة خود والمهبه الكرد ال زود اسر از مسویب ایکذرد ۲

حق با عما أستر ، ول ماد أم كه ط-رز کار کیپر انکردہ - 🖉 الأ وطانى كا اسول الماسى وزارت سارف-- و بطور کلی کنام وزارتخابة ما - هين است المفار ديكري تيايد داشت . معت ميز ندين تهران مادت كرده است ك همت ماه همت بأن طوق الكرد ، وخوت-منت - كر خيتك - ين فبدى كا منز استحوالتي را فزا كرخه ، أولى خود در . ر . شی در جریان ایست . جز مدودی همه مثل الإيواني ها در مالم بهت و حورت سي می کند . با این حال میمنواهید در قکر ديكران بادند ا

بهران پاسته و ولی گذشته از همه ابن ها جهل روز برای لهبه بودجه ولايات - در صورتی ک اساس آن هم در سال كدنته ريخته شد. و پهوقم عمل کذارده شده نود - خليف-فهاد است ! لا اقل بك ما. قبل مراسق بهودجه ممارف ولايات را ايلاغ كرده باشند . ال کا اکردہ اند امید واریم برای سال آئبه ازالان در فكر باشند الم يقية السبف مدارسی که در اتیجه زخرات بی خد و حصر الماير الدرلة دو ولايات ناسيس شد آذ میان قرود و مردم خارج از مرکز از الهرام يكلئ مايوس نشونه والمحافظ "是你在两人。""说是我不能

التمس ذيكرى كه يودجه ممارف ولايات وارد داجع به طرق ادوین آن است ، اکر به صورت جزر أودجه أكما. كلمد خواهيد ديد كه در يك سا منام كلاس شوم هفت اومان ، بك سيستم معيني براى أميه بودنجه

الف سلسلة ، قالات است كم ما علم إذ آن سرف نظر میکنیم . از این اواقس کا پلذر د - اظبم بودجه ممارف ولايات خود يك قدم بزركماست كَ بِحت أَصلاح بِرَ دَاشتَه شده • بِابِد أَوْ كماني كه ابن خدمت را المجمام داده الد عنون بود • . . . الكوثيد آنها فقط وظيفه خودرا الجام ماده أند . اس الكرده بودند از أنها مواخذه مبشد ۲ حس ممثولبت در ادارات 

Contraction of the second s

اخبار شهری هيئت وزرا روز نديته قبل از ظهراقاى د من الوذر بدربار آمد مشنول بذيرائي واردين بودقد e tet Right to a star fill the se بدازنلهر تايا وزرا ازوزار اخاتهاى خود بوبئت آمده جلسه وسمى منعقد كرديد الم والا حضرت فس الد ال عدر روز كذبنةه ولا حضرت الدسولايت ( مېنت رئيسه دمايشكا. امتعه وطامه د ر تكبه عهد أز الهبهيتهر امده إ قاى رئيس لوزرا دوات حظر مثه ول تشريع لوازم افتقاح ملاقات تمودند راحع به نعبين وبشكارايات المعايشكا، بودند أز قر ار معلوم در أول ماه آذربا بجان و گهبة وسایل حرکت خودشان (ربیم الاولی نمایتکاء افتاح خواهد شد ، مدعى مشدول مذاكره بوداد يا الم I to the state of St. We had be عمر روز كذشة شارزدانه مفارت 7 لمان بهبت وزراء آمده باأذى رئيس الوزراملاقات در باب الحركت خودشان به برلن.=،ول مذاكرة يوداد المحاج المحاج

متمبور ( يېرسن ) معاون دکار مېلمو نومان حقوق دارد - در جای دیگر پیت ایمیت وزراء آ.د. با آقی واپس الوزراء راجــــع باوضاع مانيه ولمبين حقوق منفصلين

وزارت ماليه مشدول مذاكرة يودند ر مراسم i اش بازی شب كذشته بدناسبت عبد اخسى لكن ازی منسلی در میدان مدق زرایش داده

ا م سلام 👘 امروز اءايخضرت ما واق دو ساعت ل از ظهر پشهر تتريف خواهند آورد لیم ساعت قبل ازظهر سلام عام در عیارت الحت مي من منعقد الخواهد شد

الأبرده كرف يتشا از قرار الملاعي که از قام، رسيد. ر ده کمپه که پر حب دستور شاه حسین بهیا شده و باید وجای ورده حجاج مصری لصب شود الوسط سابنه مخصوص وارد مجده Clear States and the states of the

ايجاد انقلاب بموجب الحلامي كه از (كارتي ) میرسد مقوط مارك أیجاد انقلاب عظیمه ی ر اوضاع ماليه ڪرده يعني قرار دادها و آمهدات با مارك كاغذى يكلى عزَّل شده 👘 🖓 ماده آق کان 🕅

ي يموجب الحلاءية از لندن رسيد. بياليه الطرف آقا خان معروف يطبع وسيدة و در آن مينوبند كه عمد قامه لزان برهانمتنى است که انگلیس: و قرآنسه و اول غربان دیگر مایل به دوستی با عثیاتی و عالم اسلام حمد عهد المه جديد عطاي آزادي كامل يشياني لموده يطريقيكم ومارداران او أمروز مفتاق بدوستی با انکلیس و قرالسه هستند عثیالی قدم بمرسه تاریخ جدیدی تذارد . مسلمين طلم وايد با منتهاى سمى يسابن دولت أو زاد ياوري كرده وشكي أيست كه ابن مملك فرخشند، فرين ستاره عالم أسلام المواهد أهد المحمد المراجع 🔭 🕺 سلامتی مسافرین ما و وین آیران از مک مظمه و زارت امور خارجه رايرت داده أند كه حجاج بيت اله الخرام عموما إسالم و هر كوله و سا يل اسه،ل مراجعت آنها فراهم كرد يد. است مة ش شمال م

اقا میرزا کنی خان بینش از طرف وزارت البه إراى تغيش دوائر ماليه شيالى ازقيبل از دران المعراواد غير ممين شده عما غراب حر مت خواهند ادوم اكسپوزيسيون أيران ورز مدنشة. شش ماعت بعد از ظهرو کمسیون راء اهن ووز شنبه جهار بعد از ظهر آخربن جلسه أكمه بون راء أهنَ دَرَ وَزَارَتَ الْجَارَجَةِ المُكْبِلُ خواهد يافت أعضاء كمسهون أصمهم لمو ده الد که در روز مزبور خالمه بمذاکراتداده نتيجه را بطور قطمي إبنات دولت را برت ده ا

تعيين درجات روز ک\_ذشة، درجانبکه از پرای روسا و قصائبهکا پمد از نود و نه داخل در خدمت

خاطرات يكنفن كنك

عجب قصبه إيست 1 1 1 دو ساعت زخت كنهد كا به من حالى كند كه ( اان را با دُسْت راست از جلو نوی دهنت بگذارد ا

و يسد زحت ؛ با هزار اشساره سر و كردن به من كامت : ابن حركت اكل از قدا است و اکل از قدا کار سفها است در کمام دورهٔ که مؤمن رفبق من یا اشاره سر و کردن به من کنفرانس،بداد

به من وكلمان خوردن را مي آموخت من تمام حواسم متوجه او بود بالاخرة جندالقمه از او عالب مالده سعر الشدم . اکل از قدا این بود که من می کردم بدی غوض آینکه سرم وا زیر پیندازم مشفول کار خودم باشم به حرفهای او کوش میدادم من تکم به از میمون که کدنک کر نیستم هیچوقت ندیدم میمون بازیه میمون

، اکل از قدا ، را حالی کند عجب ۱ ا میدوله « شادی ، جلو جشم خودم یسته از زمین از داشت بوستش را کند از طرف جانه ( نه یعت کردن ! ) مغز پسته را کوی دهنش آذاشت

بای قومن رفیق من خالی بود که دو ساعت با زاجیم و جوب و کملیمی و نطق و کنفرانس به میمون - وظیفه دان خور دن را بها موزد - بعنی اکل از قفارآیه مرا جدور مبكند كوش بدهم وه ا عجب ا ا جزريكه طدا دو منها خلق تكرده It as as delate the second standard and a second كوش به خين است كه من يدهم كوش كمبا يوه ، إنظرم إكل از قُمًّا همين است كه ال بك المر جبزي يعتواهند كه خدادر مالمخلق لكرده بإشد ابن إكل أز قنا أست به مدوره اکل از قفا همیناست است است به اندار بند. من در زندی هر وقت سرهم شد بالتو کلیتم وا م بوعم - هر وقت بنینه او دد آب من خورم هر وقت بشه مرا ، تزود شم وا برسارم و حبح کمام از این هاکوش دادن لازم لدارد - لازم لیبت چده دلیا را زیر و دو کتم عف چیزی کی میں ایست و احتیاجی هم باو ندارم بکردم المع المجب من از اين است كه جرا وقتى كه من كرسنه م شوم يا مودى مارض من میذود - این که به من إسرار می کند : ( کوش بده ) جرا مضرت گرستگی وردید مرا اختاص كما المناه والمحجود والمحجود في المحد الله المحالة المحجود والمحالة المحجود والمحالة المحا اکر کوش دادن خوب چیزی است نیرا خودش اوش اسیدهد الما علم الما مؤمن ال عر كي يا من طرف سعبت ف شود يا من ف كولد كوش المع ي تنهميدم \_ سالها إست ابن حرف وا م شنوم جنوز الحي دألم الراي جه قدع من المد الكابل را به من في كند، مرجع والم الم بعديد، "من "- ابن الكوف فدما يراى ابن" است كه مو، صابعه منسره و ماير العليسانية جند الديه تو جند قدم از بنده جلو يبتلعد الم الم الما منايه و اله واله الم · طوب بود این ،ومن و سایر ،و،بن که این تکیف دا متسل بنن می آند. اول پین حالی میکردند که ( کوش ) چه چیز است که من بدهم آفوقتمن هم شرط میکردم مانند این شخص که بالای سر ما مانند پرند، ها در هوا پرواز کرده منهسم بهوا برواز كلم آرى - اول يكو به بينم كوش چه چيز است الوقت به من اكليف كن ا کوش یده من که کوش امیدالم جبست - جبری را که امیدانم ا چطور یاید داد ...

از مقام وزارت با نها ابلاغ كرديده و ارد محومت إزرسي شناختن آن سه الرخودد أرى عدوم اقابان روسا و اعضاء بإيلاغهاىصادره مبنهليد المن المعدين راض تموده اظهار غدم رضايت مبنمودند **پذیرائی سفراء خارج**ه روز كدشته قبل از ظهر آقای وزیسر مور خارجه در وزارتـخا نه حاضر شد . حسب لمعمول مثغول بذيراثى سنراى خارجه **بود لد** وزرای مخذر دولتین انکلیس و الطلب و تغيل سفارت فرأله - بمبهل سفرارت لَوْبِاكَ هَرَ يَكَ يَوْمِهِ خُودَ بِالْعَاى وَرْبَر أَمُور لمرجه ملاقات تمودند المنابات ارامنه نظر يتصعبم حكومت طهران أنجعن ملمه

ارامله سه نفر را برای مصوبت الجمن اظارت انتخابات بأداره حكومت معرفي فموده جون از طرف دسته الملبت المجمن ماسي ارأمنسه المخاب سه المر أوق المتراض هذه و مدمى [ برداخله شد : المده الم الم

وزارت عدليه اعظم شده اند مدين شده يود المستند كه رأى باين سه نفر قداده اند لذا ا ووز کذشته از وزارت داخسه ادار حكرمتني كتب تكارف امودلد پرداخت حقو ق روز كذدته حقوق برج سرطان وزارت

خارجه از طرف خزاله داری کل پرداخته General Angel حتوق برججوزا و سرطان وزارت عدايه تېز بمداز ظهر پرداخته شد

حقرة، برع مرطان أعضا و أجزاى وزارتداخا عصر روزك نشته درخزاله دارى



شاره، ۱۰۷	مرد ازاد		
<b>اور ان</b> ی <b>اعلان</b> ایم از بهرس قدی آندازد ؛ ایم از به جدر اعلان را ارزان کرده ایم : مغم <sup>ر</sup> اول یك قران - دوم و سوم دهماهی - جبارم پنج عامی ؛ مغم <sup>ر</sup> اول یك قران - دوم و سوم دهماهی - جبارم پنج عامی ؛ <b>یخچ نشا هی ا</b> <b>یخچ نشا هی ا</b> <b>اعلان ا</b> دراه قراق خانه منزل اغتخاب المك رجوع فرمایند. دراه قراق خانه منزل اغتخاب المك رجوع فرمایند. در اعلان محکمه جنده اول محکمه جنده امران بهوده اندا از م محکمه جنده - عمیه ا در اعلان ما ه ا	۱۲ برج اسد یرایر ۲۲ ذی حجه ۳۰ ۲۱ در غروب گذشته در باغ پهارستان متسابق پمجلس این جشن ناریخی ،لی پذیراش یطور عومی ست آداره مباثرت مجلس شورای ملی کېخسرو شـاهرخ	یک ساعت قبل از غروب کا سه ساعت از شورای مل یزم جنین و چراغان منعقد و در و از شر آت واردین محترم امتنان حاصل و	موم - ممامین مدارس ایتدائی ، یخ سال متوالی شاهک دان ایشان یخوبی از عهده امتحانات رسمی بر آمد. باشند شوم ت شاهکردالی که درامتحانات اخر دووه متوسطه هم مدرسه آمره اول اختاص ذیل داد. میشود افضاص ذیل داد. میشود افران ایامت نموده باشند اول - مدیران و ناظمین که دوراداره اول - مدیران و ناظمین که دوراداره ایراز لبامت نموده باشند دوم - معلمین مدارس ایتدای که ایراز لبامت نموده باشند میشود استاد ایشان یخوبی از عهده امتحانات رسمی بر آمده باشند آمره اول باشند مره اول باشند مره اول باشند مره اول باشند مره منتم - تشان عامی به درجه مدرسه مره اول باشند مدرسه این عمل موم مدرسه میشود : میشو از محمدیات آن مره اول باشند. مدرسه میشود : مدرسه میشود : میشو درجه میشود : مدرسه اول : هرجه موم درجه اول : مرجه موم درجه
لات م المديني من محمد تعمل المدين من المدين من المدين الم يك معلد ولت به ميزان هزار يانسد الى لمن محمد ال معلم المن تعمل المحمد المرابع هر كن سراغ دارد از مسامت بغروب فاسه ساعت از عب رفعه باداده	. ماجب دبیلم ، میل دارد در بکی ازخانواده	هأی پررك پرای تعلیم و تریېت أطفال داخل پیلاوه حاضر است دووس خ در منزل خود یا در منزل اشخاص پدهد . زخوع كرد .	سوم . ماده هدیم - قشان عامی درجه اول هیاریسی از ایله صنب ی طلای محدب و سیاره شکل که دارای ۱۰ پرد. منطط بوده و در وصط صنعه دایر. سکوچ کی است که قسف قطر آن میاوی است با دو خس مطلی بکاراز من کر آن دایره از ورمینای مهاره محمد می شود سیلیم دایره ،ز ورمینای آسال قام است که در مسط آن شد د

اخلاع .... . اظهار ناسف إز ابن که بواسطه قبول مستصر خده طرف موفق يدديرا في كامل از مرساء عقم خود عدد ام فعلامة وسميت اشتعاله إينجاعي كا درجة در لحت التظام آمده است اوقات عديراتي أز مراجه مندكان وا ديدباطلاح عقوم فيرسالد مديع از أول أعمّات الى مدة ساعت قبل از ظهر - عمر ما از ذو ساعت قبل إذ غَروب الى مدرب من الامكان ميتلايان به امراض مسريه از قيهل سوز أله و سفليس خسي ها رجوع تمايد

The fact of a state of the state of the state of the state

اعلى و نه. ار ن

e .....

46 30 الجهاو لمواهد Ales Is Stien 's

7 - 1 1 16 1. A.S. 

> ان "مآمد -

مربازاه

الدرماملان ٨٦ من المراجع المراجع المراجع المراجع المراجع المراح التقي

معان جون مايم و التشار روز نامه اجات وطن اسارف يا عبد سعبد بز رك ملت اسلام تموده و ملم يم تسايل است لذا موفق باللشار اين شماره لكرديديم الشاءلة در هفته آليه جدران خواهد شد . Section Land ما این عید بز له ملی را به امام شیمیان امریك غرض میکنیم . ( دفتر نجمات وطن )

مره اعلان

علان 500 بك «سلكاه سالون غربي عمل بدى بسبار اعلا و بك عده اشباء نقرة و براجي.و غيره كه ماهلق به وزار مختار سابق سارت الحريش است بهروش ميرسد طالبين جلوخان عبرالدوله جب رؤازى به منازه شمسارى رجوع فرمايند 🕺

Y-1 - A we shall be the state of the state o

بورس فروش طهـران خريد باریس . 🗧 قران 👘 👘 👘 قر ان : الله فراتك لندن مكنوبي ١٥ \_ ٤٥ \_ ٤٥ \_ ٤٥ المدن VV\_44 UT ، الكرافي ٥٠ \_ ٥٥ × ٥٠ \_ ٤٠ \*\* -ياز ك ياريس 🗧 📲 اسيائى 414 - 40 مويس ا ا الما ايو بورك ٢٥ ٩-٧٠ ٠٠٠٠٠٠ VE - 10 رو بېه بېښې .... ۲۰۷ - ۲۰۷ 4.2 سو اس شركت مطبعة مدرن 1. T To prove the second of th

اعلان and the state of the second second بمديرًا على اكبر خان ولد المالملي بيك كه صاكن كوجه كمرك خانه امرَّه ٩ ٩ يوده و فعلا مافر است اعلام می شود که از کارخ درج این اعلان تا بانزده روز دیسکر در شعبه اتنی دائر. استنطاق خاضر شوید و الا قرار غیابی سادر خواهد شد. المجهور المحاج المح

**يك نفر كلي**مى یك نفر کاہمی برای دلالی بك شركتی لازم است " علاوه بر سهمی که از هر منامله خواهد داشت بطور ثابت ماهیانه ۱۵ گومان خواهد كرفت براى آدرس باداره مرد آزاد رجوع تود المره أعلان - ١١٢ -

فصل چہادم در شرايط أعطاى اشان على ماده دوازدهم ـ اشاندزجه سوم بالخاص قبل اعطاً میدود اول ۲ رؤسا و تاغلین ومعلمین مدارس ملوسطه بمد ازهشت سال خدمت ا دوم ـ اغضای هیمت موسسه و معلمین مدارس هالبه و مسدرسين منتقل و معقول و امايات عاليه بعد از بج سال حدمت و لمليم . سوم - مديران و ناظمين ومعلمين مدادس أيعدائي بدر أز ده سال از اخذ مدال درجه اول ادامه خدمت و المليم . مادەسېزدەم ـ اشان درجە دوم باشخاس فوق الذكر بتج سال يعد از اخسد درجه سوم يا مداومت در خدمت إعطا مردود . ماده بانزدهم - نشان علمی از هر درجه

جورعيد ايستاده ارسيم شغة و طول شماع

**ماتدادان** درجه اول است ممكر اینک ده

يرده يزرك آن طلا و يقيه نقره خواهد

مور باده دهم - مثان درجه سوم إمبا-

مثل هو درجة ديكر است محكر اين كا

باره بازدهم - تقان درجسه اول

قار- أن فيلها لقره خواهد يوه مج

فتبط دادای بك روزت خواهد بود كه

والله توار را خواهد داشت و توار مرسه

درجه قرمز خواهد بودو

عمل معان ٢٠ ميل مل خواجد بود . ماده الهم - قمان درجه دوم عينا